فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال پانزدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۳
صفحات ۴۲ ـ ۲۳

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 15, Summer 2018, No 53

تحلیل و بررسی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند

محسن محمدی*
غلامرضا مهدوی**

چکیده

انقلاب اسلامی با هویتی دینی، مبتنی بر اهداف و برنامه‌های فرا مرزی و قومی، ایده صدور انقلاب اسلامی را از همان ابتدای پیروزی انقلاب در برداشت. یکی از نمونه‌ها برای صدور انقلاب اسلامی، شیعیان هند است که علی‌رغم داشتن پیشینه علمی و فرهنگی، امروزه در نظام سیاسی و اجتماعی هند جایگاه شایسته‌ای ندارند. این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که عوامل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند و در برخی موارد ناکامی‌های این مؤلفه‌ها چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، بر اساس مؤلفه‌های نظریه پخش به عنوان چارچوب نظری، مهم‌ترین علل تأثیر انقلاب ایران بر شیعیان هند در پیشینه روابط سیاسی و فرهنگی و تشابهات سیاسی و فرهنگی شیعیان هند با ایران بررسی شده است. در مقابل مهم‌ترین موانع تأثیر، عبارتند از تأخر فرهنگی اجتماعی حوزه‌های علمیه، ضعف خودباوری، سطحی بودن شخصیت دینی و خلأ رهبری دینی. در پایان نیز راهبردهای تاثیر انقلاب بر شیعیان هند در قالب بیان «ایجاد و ارتقای خودآگاهی دینی» و «ایجاد جامعه خودبنیاد» بیان می‌شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، شیعیان هند، نظریه پخش، هویت دینی، اسلام سیاسی.

---

*. عضو گروه مطالعات راهبردی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و مدرس گروه معارف اسلامی.
mohsen2941@yahoo.com
**. استادیار جامعة المصطفی العالمیة.
g.r_mahdavi@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بود که براساس اهداف و شعارهای دینی محقق شد و اهداف و برنامه‌های خود را براساس مرزهای ملی و نظام‌های قومی قرار نداد. بلکه با دیدی فراملی کلیتی از جهان اسلام را در مقابل جهان غرب و استعمار که از عوامل اصلی افول امت اسلامی بود، ترسیم کرد و ازاین‌جهت توانست انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان خط مقدم مبارزه با دشمنان امت اسلامی قرار دهد که سایر مبارزان اسلامی به تدریج به این صف پیوستند.

به این ترتیب انقلاب اسلامی قرائتی فراملی و براساس هویت و تمدن اسلامی از انقلاب و مبارزه ارائه نمود. این قرائت که همه مسلمانان را در یک صف‌بندی هویتی با مسائل، دغدغه، اولویت، ظرفیت و درنتیجه دشمن یکسان قرار می‌داد، همه مسلمانان را به جامعه‌ای یکسان با مرزهایی براساس هویت دینی فرامی‌خواند که تشخص‌ها و محدودیت‌های ملی، نژادی و قومی را برمی‌چید. این رویکرد به نهضت و انقلاب چشم‌اندازی شیرین از امت اسلامی را نشان می‌دهد. به این ترتیب انقلاب اسلامی را می‌توان در مسیر تحقق امت اسلامی و اثرگزاری آن بر سایر مسلمانان در این چشم‌انداز ترسیم کرد.

انقلاب اسلامی ایران هر چند از جهت زبان، فرقه و ملیت در جهان اسلام در حداقل قرار دارد ولی هیچ‌گاه خود را در حصار زبان فارسی و گرایش‌های شیعی خلاصه نکرده است و همه مسلمانان و حتی آزادی‌خواهان جهان را خطاب قرار داده است. ازاین‌جهت انقلاب اسلامی ایران با روحیه‌ای تمدن‌گرا بروز کرد و تداوم یافت و از همان ابتدا صدور پیام‌های خود را در دستورکار قرار داد. چند بعدی بودن، فراملی بودن و فرافرقه‌ای بودن انقلاب سبب شد زمینه الگوگیری از آن زیاد باشد.

منطقه شبه قاره یکی از مهم‌ترین نقاط جهان است که از تاریخ و تمدن عظیمی برخوردار است و امروزه نیز تأثیر زیادی بر تحولات جهانی دارد و از جایگاه ویژه ژئوپلتیک و ژئواکونومیک برخوردار است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین موارد جهت بررسی تأثیر و الگوگیری از انقلاب، شیعیان هند است که علی‌رغم داشتن گذشته غنی و سرشار علمی و فرهنگی، در نظام سیاسی و اجتماعی هند جایگاه بسیار پایینی دارند. شیعیان هند از انقلاب اسلامی و پیام‌های آن بهره بسیار کمی برده‌اند و لازم است عوامل مؤثر و موانع تأثیر انقلاب بر شیعیان هند بررسی شود.

در این تحقیق با استفاده از نظریه پخش، درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که عوامل و موانع تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان هند چیست؟

تبیین نظریه پخش

نظریه پخش یا اشاعه، یکی از نظریه رایج درمورد توضیح چگونگی انتشار و گسترش ایده‌ها و

اندیشه‌هاست که در سال ۱۹۵۳ میلادی از سوی هاگر استرند،[1] عرضه شد. هرچند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود ولی کاربرد آن در سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. (شکوئی، ۱۳۶۴: ۱۱۲ ـ ۱۱۱)

نظریه پخش، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد. هم علت اشاعه، نحوه گسترش، مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۴ ـ ۱)

این نظریه در بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی چون گسترش محبوبیت یک نماینده انتخاباتی در بین مردم، چگونگی پخش انواع مد لباس و رفتار در مکان‌های شهری و روستایی، دلایل گسترش یک نوع موسیقی و ترانه در بین مردم، پخش بیماری‌های واگیر در بین چندین کشور و ناحیه و گسترش استفاده از تلویزیون رنگی از شهرهای بزرگ به مناطق روستایی به کار گرفته شده است. (Palloni, 2007: 8-9)

هاگر استرند چند نوع پخش را مشخص کرده که عبارتند از: پخش جابجایی، پخش سلسله‌مراتبی، پخش سرایتی یا واگیردار. (ر.ک: جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۶۳ ـ ۱۶۰) همچنین او شش عامل را در این نظریه مهم می‌داند: محیط جغرافیایی که ممکن است پذیرا ـ همگرا یا ناپذیرا ـ واگرا باشد، زمان، موضوع پخش، مبدأ پخش، مقصد پخش، مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد. (شکوئی، ۱۳۷۷: ۳۰۶ ـ ۳۰۵)

در چارچوب نظریهٔ پخش، برخی عوامل مانند مسافت و زمان باعث کاهش پخش می‌شوند. (برزگر، ۱۳۸۶: ۴۸ ـ ۴۷) در مقابل برخی عوامل مانند هم‌مذهب بودن، عامل اشاعه‌دهنده و شتاب‌دهندهٔ پخش ایده‌هاست. درواقع یکی از کارکردهای مذهب، آن است که سرعت اشاعهٔ رفتارها را در بین هم‌مذهبیون شتاب غیرقابل تصوری می‌بخشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸)

مؤلفه‌های نظریه پخش

۱. مبدأ پخش

مبدأ پخش مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است. پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران به‌عنوان مبدأ پخش در بهمن ۱۳۵۷، دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است. ایران و انقلاب اسلامی با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش درجهت برقراری حکومت

1. Hanger Strand.

جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت‌تأثیر آن قرار گرفتند. (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۸ ـ ۱۷۷) به‌عبارت‌دیگر، این انقلاب علاوه‌بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و الهام‌بخش مسلمانان در کشورهای مختلف شد.

درواقع، انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری خود اهداف، آرمان‌ها و شعارهایی جهانی داشت و به همین دلیل بود که از همان آغاز شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب، دشمنی‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی با آن شروع شد.

ضمن آنکه انقلاب اسلامی خود مبدأ پخش بوده، از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است، به‌ویژه در دهه سوم انقلاب، با گذر زمان و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به تدریج این پخش بجای تک‌مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت می‌دهد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۶) برخی کانون‌های ثانویه پخش در منطقه عبارت‌اند از جنبش‌های مقاومت در لبنان به‌ویژه حزب الله و جهاد اسلامی و حماس در فلسطین اشغالی و نیز برخی گروه‌ها و احزاب شیعی در عراق که به انتقال هویت اصیل اسلامی و سایر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران اقدام کرده‌اند.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان به‌طور عام، تحت‌تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگری به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. بنابراین، انقلاب اسلامی، کانون پخش و تراوش در منطقه شد. یک بررسی مقایسه‌ای بین موزائیک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، به‌خوبی نشان‌دهنده تغییرات بافت موزائیک منطقه‌ای خاورمیانه است. بنابراین، ما شاهد مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا به تعبیر گراهام فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه می‌باشیم. این تأثیرگذاری ناشی از قدرت سلبی یا نفی‌کنندگی انقلاب و تعمیم این باور بود که «آیت‌اللّه» باید درست عمل کرده باشد که توانسته است شاه را با تمام قدرتش و حمایت آمریکا، سرنگون کند و در فرایند این تحول، ایالات متحده را نیز تحقیر کند. به نظر آنان امام خمینی به‌دلیل موفقیتش، یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است. (فولر، ۱۳۷۳: ۱۰۹)

۲. مقصد پخش

در ارتباط با مقصد و محیط پخش توجه به پذیرا یا ناپذیرا بودن محیط مهم است. منظور از محیط پذیرا، تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است که زمینه تأثیرگذاری را بیشتر می‌کند. منظور

از محیط ناپذیرا، محیطی است که به‌دلیل اختلافات و تفاوت‌های عمده مذهبی، زبانی، نژادی یا فرهنگی با مبدأ پخش، امکان تأثیرپذیری اندکی از مبدأ پخش دارد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۹)

در ارتباط با شیعیان هند به‌عنوان مقصد پخش انقلاب اسلامی ایران می‌توان گفت با ترکیبی از یک محیط پذیرا و ناپذیرا مواجه هستیم. فضای فرهنگی و دینی شیعیان هند از جهتی محیطی مستعد برای صدور و پخش انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند ولی موانع داخلی و خارجی در این مسیر زیاد است که سبب می‌شود محیط ناپذیرا شود.

مسیرهای پخش

منظور از مسیرهای پخش، مجراهایی است که از طریق آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش فراهم می‌گردد. در بحث مسیرهای پخش، حداقلی از افراد لازمند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه، خود به خود مانند توده برفی که به بهمن تبدیل می‌شود ادامه یابد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸) همچنین نهادها و مجاری دیگری نیز لازم است که کار پخش را صورت دهند. بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به‌طور طبیعی و یا ارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه‌ها هستند. بر طبق نظریه پخش، هر نوآوری ممکن است از یکی از سه طریق پخش جابجایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی از مبدأ به مقصد منتقل شود:

۱. پخش جابجایی

پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به‌طور فیزیکی از مکانی به مکانی دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری در سرزمین جدید گسترش یابد. به‌عبارتی‌دیگر، در پخش جابجایی، حاملان نوآوری و مهاجران، مبلغان، تاجران و دانشجویان از طریق تماس فردی، نوآوری را بسط و توسعه می‌دهند.

نهادهای متعدد جمهوری اسلامی ایران در هندوستان (مانند: سفارتخانه، کنسولگری، رایزنی فرهنگی، نمایندگی وزارت علوم، دفتر نماینده ولی فقیه، جامعة المصطفی العالمیه، مجمع تقریب مذاهب اسلامی و مرکز میکروفیلم)، دانشجویان متعدد ایرانی در هند، دانشجویان متعدد هندی در ایران و طلاب متعدد هندی در ایران می‌توانند در این نوع پخش مدنظر قرار گیرند.

۲. پخش سرایتی

در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. در این دو نوع پخش، افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم از سرزمین میزبان به سرزمین جدید هجرت می‌کند؛ و چون هجرت فیزیکی

نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است. در این نوع پخش، تعداد آگاهانِ به آن نوآوری مرتباً افزایش‌یافته و به همین ترتیب ناحیه تحت پوشش نیز بزرگ می‌شود. (سعیدی‌نسب، ۱۳۹۲: ۹) در این نوع پخش سرایتی، تسری موضوعات به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. به‌عبارت‌دیگر، «اثر همسایگی» در پخش سرایتی، عامل کلیدی تلقی می‌شود. (کامران و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶)

درمورد پخش عقاید انقلابی در شیعیان هند به شیوه سرایتی، می‌توان به توزیع کتب مذهبی و حاوی پیام‌های انقلابی و برپایی مراسم‌های انقلابی در بین شیعیان هند اشاره کرد؛ مانند سالگرد ارتحال امام، پیروزی انقلاب، مراسم‌های عزاداری و روز قدس. راه‌اندازی بخش اردو در شبکه سحر و همچنین سایت‌های اردو در ایران مانند سایت ابنا نیز در این راستا قابل تحلیل است.

۳. پخش سلسله‌مراتبی

در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. بنابراین نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند، یعنی فرایندی که طی آن ایده‌ها از مرکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷) بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به‌طور طبیعی و یا ارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه‌ها واقع شده‌اند. (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۹) به‌نظر می‌رسد، بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله‌مراتبی است، زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به‌سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

درمورد پخش عقاید انقلابی در شیعیان هند به شیوه سلسله‌مراتبی، می‌توان به نقش احزاب اسلامی و شیعیان، مساجد، روحانیون شیعی و مراجع مذهبی و حوزه‌های علمیه شیعیان هند اشاره کرد. اهمیت این موضوع ازاین‌جهت است که بسیاری از طلاب هند در ایران تحصیل کرده‌اند همچنین حوزه‌های علمیه شیعه در هند نیز با مدیریت و کمک ایران و با حضور مستمر و فعال جامعة المصطفی فعالیت می‌کنند. بسیاری از احزاب شیعه در هند نیز با حضور و فعالیت روحانیون شیعه فعالیت می‌کنند که در ایران درس خوانده‌اند یا تحت‌تأثیر ایران هستند.

۴. زمان پخش

برخی اندیشمندان معتقدند بازتاب‌های انقلاب اسلامی تنها در نخستین سال‌های انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به تدریج با گذشت زمان شعاع این تأثیر محدودتر شده است. (جردن و راونتری،

۱۳۸۰: ۲۶) برای نمونه نیکی کدی معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی آن برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفا محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است. (Keddie, 1980: 118)

در رد این نظریه لازم است به این نکته توجه شود که بازتاب‌های انقلاب به علت پویایی گفتمان انقلاب اسلامی در زمان‌های متفاوت و شرایط متغیر ایران و نظام بین‌الملل به گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود. بر این اساس انقلاب اسلامی در شرایط و زمان‌های مختلف با بروزات و اثرگذاری‌های مختلف بروز کرده است. به‌عبارت‌دیگر تأثیر انقلاب به مرور زمان کاسته نشده بلکه بروزات و نوع تأثیرگذاری آن بر اساس برخی شرایط و اقتضائات تغییر کرده است.

گسترش یک پدیده از یک کانون یا کانون‌های محدود در میان مردمی که آماده پذیرش آن پدیده می‌باشند، در طول زمان صورت می‌گیرد. (شکوئی، ۱۳۶۴: ۱۲۲) انقلاب ایران از همان روزهای اولیه پیروزی درپی گسترش و ارائه پیام خود به سایر جوامع برآمد و این تلاش همواره و به‌صورت مستمر ادامه داشته است؛ چراکه پیام انقلاب اسلامی ماهیتی جهانی دارد و در محدوده‌های تنگ زمانی و مکانی جا نمی‌گیرد. (عسکری، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان هند از همان ابتدای پیروزی انقلاب وجود داشت که البته در طول زمان و باتوجه به عواملی مانند روابط سیاسی و اقتصادی دولت ایران و هند، افت‌وخیزهایی داشته است. البته طبیعی است که شور انقلابی در ابتدای پیروزی انقلاب و جدید بودن موضوع انقلاب ایران سبب شود در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب، شیعیان هند توجه بیشتری به انقلاب اسلامی داشته باشند و تأثیر بیشتری از آن بپذیرند ولی پیام‌ها و شعارهای انقلاب ایران به زمان خاصی محدود نبوده است که تأثیرگذاری آن نیز به زمانی خاص محدود شود.

۵. موضوع پخش

موضوع پخش در انقلاب اسلامی ایران طیف متنوع و وسیعی را دربر می‌گیرد که عبارتند از: لباس و پوشاک، نظیر استفاده از چادر؛ حضور بیشتر در مساجد و رونق آنها؛ حرکات سیاسی در مساجد؛ تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز؛ جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین؛ الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزات انقلاب اسلامی؛ بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی؛ بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی؛ ترویج و شیوع ایدهٔ مبارزه با رژیم صهیونیستی؛ ایدهٔ وحدت مسلمانان، اسلام راه حل مبارزه و زندگی، وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه اسلامی و دولت اسلامی. می‌توان همه این موارد را در اسلام سیاسی و مبنا قرار دادن اسلام در تعاملات سیاسی و اجتماعی و اداره جامعه خلاصه کرد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۲)

بیشترین تأثیرگذاری انقلاب ایران، بر شیعیان جهان بود و این انقلاب موجب احیای مجدد حیات سیاسی ـ اجتماعی شیعیان شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران نقطه آغازی بود بر اینکه شیعیان خود را بازیابند و لزوم وحدت و هم‌بستگی جهت احقاق حقوق پایمال‌شده خود را بیش از پیش احساس نمایند. (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۳۲)

تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان هند

یک. زمینه‌های تأثیر انقلاب بر شیعیان هند (محیط پذیرا)

الف) پیشینه روابط سیاسی و فرهنگی ایران و هند با تمرکز بر شیعیان

شیعیان ایران و هند تعاملات گسترده‌ای را داشته‌اند که تعاملات حکومت‌های صفویه در ایران و حکومت‌های شیعه در جنوب هند از مهم‌ترین آنهاست به‌طوری‌که ایرانیان در نظام سیاسی و فرهنگی شبه قاره حضور فعالی داشتند که مهم‌ترین تأثیر آن گسترش و تثبیت زبان فارسی در شبه قاره است.

بعد از حمله مغول‌ها به ایران، عراق و آسیای مرکزی، عده زیادی از سادات به هند مهاجرت کردند که در بین آنها عده‌ای از علما، صوفیان، شعرا، نویسندگان، اطبا و دانشمندان مشهور نیز بودند. آنها در هند از طرف سلاطین دهلی مورد استقبال قرار گرفتند. (ر.ک: اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۵۶ ـ ۲۵۲)

از سال ۹۱۸ تا ۱۰۱۸ق عالمان زیادی از ایران به هند مهاجرت کردند (ر.ک: نجاتی حسینی، ۱۳۹۳؛ ضابط، ۱۳۸۴) که در حکومت‌های شیعه و سنی در هند نفوذ و جایگاه زیادی داشتند. (ر.ک: هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۹ ـ ۱۴۴)علاوه‌بر علما و صوفیان (اطهر رضوی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۴ و ۲۷۶)، شاعران (حالت، ۱۳۴۶) و هنرمندان (کفایت، ۱۳۸۳) زیادی از ایران به هند مهارجت کردند که به نوبه خود در تقویت شیعه در هند مؤثر بودند.

ب) تشابهات سیاسی و دینی شیعیان هند و انقلاب اسلامی ایران

۱. علاقه به اهل‌بیت علیهم‌السلام با تمرکز عاشورا و برگزاری مراسم‌های مذهبی

مراسم‌های مذهبی یکی از مهم‌ترین نمودهای دینی در جامعه است که حاکی از سطح دین‌داری و جایگاه دین در جامعه است. این مراسم‌ها نمودی از تعالیم مذهبی و بروزی اجتماعی از دین است که در تشخص و هویت‌بخشی اجتماعی بسیار مؤثر است. مراسم‌های مذهبی نمودی عینی از باورهای دینی است که بستری جهت گسترش تعالیم دینی در جامعه به حساب می‌آید و ازاین‌جهت کارکردی تبلیغی نیز دارد.

شیعیان در هند به مراسم‌های مذهبی به‌خصوص عزاداری بسیار پایبند هستند به‌طوری‌که شیعیان با این مراسم‌ها تشخص اجتماعی پیدا کرده و با این مراسم‌ها شناخته می‌شوند. شیعیان با وجود محدودیت‌های مالی

در اجرای این مراسم‌ها بسیار کوشا و فعال هستند به‌طوری‌که به جرئت می‌توان گفت شیعیان هند در اجرای مراسم‌های دینی به‌خصوص مجالس مربوط به اهل‌بیت‌علیهم‌السلام از سایر شیعیان جهان فعال‌تر و پیشروتر می‌باشند.

سیددلدار علی نقوی نظام فکری‌ای را در شمال هند ایجاد کرد که با توسعه در سنت مرثیه همراه بود؛ سنتی که به‌عنوان وسیله‌ای برای استحکام بخشیدن به ارزش‌های شیعی در فرهنگ عامه عمل می‌نماید. (Kamran, 2014: 477-492)

جانشین دلدار علی، سیدعلی نقوی، تحت سلطه استعمار در نیمه نخست قرن بیستم تفسیر جدیدی از امام حسین‌علیه‌السلام در میان شیعیان شکل داد. (Jones, 2014: 415-434)، این اجراهای دینی که در یادآوری شیعیان بسیار اهمیت دارند در سال‌های اخیر مورد مطالعه و پژوهش جدی قرار گرفته است. (ر.ک: ربانی و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۲؛ طالب، ۱۳۹۳: ۲۳۷ ـ ۲۳۱)

۲. موضع‌گیری درمورد فلسطین

در سال‌های ۱۹۲۴ ـ ۱۹۱۹، شبه قاره هند، شاهد یک نهضت اسلامی طوفنده با عنوان «نهضت خلافت» بود که از موجودیت خلافت عثمانی در برابر تجاوزات دولت انگلیس دفاع می‌کرد و همزمان با توطئه صلیبی ـ صهیونیستی اشغال بیت‌المقدس از سوی انگلستان و آژانس یهود نیز نبردی سخت و سازش‌ناپذیر داشت. سندیب چولا، محقق معاصر هندو و دانشیار رشته تاریخ در دانشگاه هیل شمال شرقی شیلونگ، در مقاله «مسئله فلسطین در سیاست هندوستان در سال‌های ۱۹۲۰»، معتقد است پس از الغای خلافت عثمانی از سوی آتاتورک در ترکیه، اصولاً موضوع محوری نهضت خلافت در هند (که نخست مسئله «بقای خلافت عثمانی» بود) تبدیل به مسئله فلسطین و محکوم ساختن توطئه صهیونیسم شد. (رک: مشیر، ۱۳۶۷: ۵۲ ـ ۳۷)

احساسات ضدصهیونیستی در میان مسلمین هند، از آن روزگار تاکنون، کمابیش موجودیت خود را حفظ کرده است و گاه در مواقع حساس، همچون آتشفشانی فوران می‌کند. بنابراین زمانی که موشه دایان (وزیر دفاع مشهور اسرائیل در جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل) در اوت ۱۹۷۷ از موراجی دسای، نخست‌وزیر وقت هند، درخواست کرد بین دو کشور هند و اسرائیل روابط کامل سیاسی برقرار شود، دسای با اشاره به همین احساسات ضدصهیونیستی مسلمانان هند گفت: هشتاد میلیون مسلمانی که در هندوستان زندگی می‌کنند، مانعی در راه تحقق رؤیاهای ما و شما هستند. (المجتمع، ۱۴۱۷: ۲۱)

دو. موانع تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان هند (محیط ناپذیرا)

الف) موانع سیاسی: ضعف ابعاد سیاسی

انقلاب اسلامی مبتنی بر قرائت ویژه‌ای از دین روی داد که می‌توان آن را با واژه اسلام سیاسی تعریف کرد. براساس این دیدگاه، دین در محدوده فردی و مناسکی محدود نیست بلکه قوام ابعاد فردی و

مناسکی دین در حضور فعال دین در عرصه سیاسی و اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر اساساً دین ماهیت سیاسی و اجتماعی دارد و نمی‌تواند در مقابل نظام حاکم بی‌تفاوت باشد. این قرائت از دین به بروز انقلاب منجر می‌شود و طبیعی است نگاه‌هایی که برای دین ابعاد سیاسی قائل نیستند و یا ابعاد فردی و مناسکی را اولویت می‌دهند نمی‌توانند انقلاب را بازتولید کنند. این تفکر مانعی در مقابل صدور و تأثیر انقلاب نیز هست. بر این اساس یکی از مهم‌ترین موانع تأثیر انقلاب بر شیعیان هند، ضعف نگرش‌های سیاسی در نظام دین‌داری شیعیان هند است.

شیعان هند نگرش سیاسی ندارند. سیاسی فکر نمی‌کنند، حزب سیاسی قوی و منسجمی ندارند، نماینده سیاسی ندارند و درنتیجه جایگاه سیاسی نیز ندارند. اساساً ذهنیت، اطلاعات و نگرش بین‌المللی ندارند تا خود را در کنار و همراه با مسلمانان و شیعیان جهان بدانند به‌عبارت‌دیگر نگرش جهان‌وطنی ندارند و ایده امت اسلامی در نظر آنها جلوه ندارد. به همین دلیل شیعیان هند اطلاعات کمی از حوادث جهان اسلام دارند؛ زیرا رسانه‌های هند رویکرد فعالی در پوشش اخبار بین‌الملل جهان اسلام ندارد.

این روحیه را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد؛ مانند: اقلیت بودن شیعیان در هند، اعمال محدودیت‌های دولتی، شکست‌های سیاسی، فعالیت رسانه‌ای منفعل و سابقه شکست‌های سیاسی، وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی که مانع ایجاد زمینه و فرصت فعالیت و دغدغه سیاسی می‌شود اما مهم‌ترین عامل را باید در تلقی دینی و نگرش دینی دانست که توسط حوزه‌های علمیه به جامعه منتقل شده است. حوزه‌های علمیه شیعه در هند خود را فقط داعیه‌دار و متولی آموزش و تحصیل می‌دانند و در نظام‌های تربیتی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی چندان مداخله‌ای ندارند. این نوع فعالیت‌ها در مدارس علمیه بسیار کم و ضعیف است. لذا طلابی تربیت می‌شوند که از ذهنیت جامع و فراگیر نسبت به اسلام برخوردار نیستند.

حوزه‌های علمیه سطح و قرائت خاصی از دین‌داری را تعریف و ترسیم می‌کنند که به محراب و منبر محدود می‌شود. مردم نیز همین سطح از دین‌داری را دریافت کرده و در همین محدوده از روحانیت و حوزه علمیه انتظار دارند. بنابراین جریان فکری از حوزه به‌سوی جامعه، بر بستر قرائتی سطحی و حداقلی از دین است؛ قرائتی سنتی و منحصر در جنبه اخروی و فردی دین.

به این ترتیب حوزه‌های علمیه با تبیین سطح نازلی از دین که در تعاملات فردی، مناسکی، مراسمی، احساسی و قشری دین خلاصه می‌شود قرائت و تصویری را از دین‌داری ایجاد کرده است که در سطح محراب و منبر (البته سطح حداقلی و نازل محراب و منبر) باقی می‌ماند و مردم دین‌داری را در همین امور خلاصه می‌کنند. در این شرایط حوزه‌های علمیه در پاسخ به این نیاز مردم مشکلی ندارد و توان پاسخگویی در این سطح را دارد و مردم نیز بیش از این توقع ندارند.

اهمیت این موضوع و قرار گرفتن آن در موانع تأثیر انقلاب بر شیعیان هند از دو جهت است:

۱. مهم‌ترین بعد انقلاب اسلامی، ابعاد دینی آن بود. این ابعاد انقلاب باتوجه به جایگاه روحانیت در نظام دینی به شدت با عملکرد و تعامل روحانیت و جامعه درهم تنیده است.

۲. روحانیت مهم‌ترین قشر اجتماعی انقلاب اسلامی بود که در بازتولید قدرت اجتماعی و تبیین، نشر و تبلیغ پیام‌های انقلاب جایگاه بی‌بدیل و منحصر به فردی داشت.

ب) موانع فرهنگی ـ اجتماعی

۱. تأخر فرهنگی ـ اجتماعی طلاب (جایگاه اجتماعی)

طلاب یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در جامعه شیعیان هند هستند. این گروه به‌عنوان نخبگان اجتماعی می‌توانند اثرگذارترین طبقه اجتماعی باشند ولی طلاب از موقعیت اجتماعی برخوردار نیستند؛ زیرا حوزه‌های علمیه از جامعه تأخر فرهنگی دارند. فاصله فرهنگی حوزه‌ها با جامعه هند زیاد است یعنی حوزه‌های علمیه متناسب با تغییر و تحولات و رشد جامعه هند تغییر نکرده است و ازاین‌رو نمی‌تواند به نیازهای جامعه پاسخ دهد هرچند در گذشته پاسخگوی نیازهای جامعه بوده است. مدارس علمیه در جامعه‌ای که از نظر فرهنگی، تفاوت زیادی دارد به نوعی انزوا دچار می‌شود. جامعه هند در مسیر مدرنیزاسیون سرعت تحولات اجتماعی زیادی را در گذر از سنت به مدرنیته داشته است ولی حوزه‌های علمیه هنوز با همان متون و برنامه درسی فعالیت می‌کنند و قرائتی فردی، مناسک‌زده، احساسی، قشری و سنتی از دین ارائه می‌نمایند که با وضعیت جدید هند تناسب ندارد و سبب می‌شود مردم دین را امری غیرکارآمد و صرفاً مربوط به حیطه فردی و آداب ورسوم تلقی کنند و طبعاً درمورد پیروان این دین و مروجان و مبلغان آن نیز همین قرائت و تفسیر را دارند. حالا اگر برخی از اعضای جامعه دین‌دار در تعامل با سایر بخش‌های جامعه همزمان با تغییرات اجتماعی پیش روند و در عین حال بر دین‌داری و عقاید خود باقی بمانند در این صورت روحانیت و حوزه علمیه حتی در میان دین‌داران نیز جایگاه رفیعی نخواهند داشت. به این ترتیب روحانیت اقلیت در اقلیت خواهد شد و از کمترین موقعیت اجتماعی برخوردار خواهد بود و حضور و اهمیت او فقط به مراسم مذهبی محدود خواهد شد.

۲. ضعف روحیه و عدم خودباوری

اینکه مسلمانان در هند در اقلیت هستند، آنها را بی‌روحیه کرده است و به نوعی وضعیت فعلی را پذیرفته‌اند. آنها تصور می‌کنند چون در اقلیت قرار گرفته‌اند درنتیجه حقوق و درخواست‌های کمی باید داشته باشند و به نوعی وضعیت فعلی را طبیعی و پذیرفتنی می‌دانند. به‌عبارت‌دیگر شیعیان در هند از

تشخص و هویت اجتماعی برخوردار نیستند تا براساس آن به تکاپوی سیاسی و اجتماعی بپردازند. فضای عمومی شیعیان هند فضایی انقلابی نیست و نوعی رخوت و سستی در آن وجود دارد. آنها بیش از آنکه به فکر اصلاح و تغییر و تحول امور خود باشند، منتظرند تا از بیرون کسی بیاید و آنها را اعتلا بخشد.

به‌نظر می‌رسد تصور کلی در جامعه هند مبنی بر نظام طبقاتی در آیین هندو، سبب تعمیم نوعی روحیه پذیرش ظلم و نظام طبقاتی شده است که در آن تفاوت‌های فاحش و تحمل منفعلانه وضع موجود توجیه می‌شود حتی تعالیم متعالی شیعه مانند عاشورا و انتظار موعود که در طول تاریخ شیعیان را به‌عنوان گروه‌های اجتماعی و سیاسی فعال و پیش‌رو قرار داده است در هند در سطحی نازل و مخدرگونه تعریف و تبیین شده است.

ج) موانع دینی

باتوجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران لازم است مبانی و مؤلفه‌های دینی را در ابعاد انقلاب به‌صورت جدی مدنظر داشته باشیم. ازاین‌جهت تحلیل‌ها و برداشت‌هایی از دین که مغایر اندیشه دینی انقلابیون باشد می‌تواند به مانعی در مقابل صدور و اثرگذاری انقلاب تبدیل شود؛ زیرا این نوع از دین‌داری، دین‌داری که انقلاب از آن حاصل شده را نمی‌پذیرد؛ در نتیجه محصول آن (انقلاب اسلامی) را نیز نمی‌پذیرد. انقلاب اسلامی مبتنی بر نوعی قرائت از دین‌داری شکل گرفت که دین و سیاست درهم تنیده بود.

این نوع نگاه به دین و تفسیر از دین‌داری، بروزات خاصی از دین را در عرصه سیاسی و اجتماعی در پی دارد که می‌توان انقلاب اسلامی را از نمودهای آن دانست. بر این اساس مواردی که در ادامه می‌آید به‌عنوان موانع تأثیر انقلاب می‌توان از آنها یاد کرد؛ عواملی که در ابعاد دینی شخصیت شیعیان هند وجود دارد.

۱. سطحی‌نگر بودن شخصیت دینی

مهم‌ترین ضعف دینی در شیعیان هند را در عمیق نبودن شخصیت و نگرش دینی آنها می‌توان جستجو کرد که نمود عینی آن در قالب نوعی مناسک‌گرایی انحرافی (مراسم‌گرایی) در بستر قرائت نازلی از اخباری‌گری قابل تحلیل است.

مناسک‌گرایی نوعی انحراف در سبک دین‌داری است که فقط بر ظاهر عبادات و مناسک دینی تمرکز می‌کند و از لایه‌های معرفتی و شناختی دین بهره‌ای ندارد. در این شرایط اعمال دینی فقط برای رسیدن به ثواب و بدون تأمل در معارف و لایه‌های عمیق معرفتی و تربیتی آن انجام می‌شود. این سبک دین‌داری در ابعاد فردی باقی می‌ماند و تأمل‌های اجتماعی و سیاسی آن در سطح جامعه (ملی) و امت اسلامی (بین‌الملل) کاهش می‌یابد.

بالاترین حد انحراف مناسک‌گرایی در این است که فرد دین‌دار برخی مناسک دینی را بر بخشی دیگر غلبه می‌دهد. درنتیجه بخشی از مناسک اصل و برخی دیگر حذف یا به حاشیه رانده می‌شود (مناسک‌گرایی گزینشی). درنتیجه فرد در برخی موارد حتی به ظاهر مناسک دینی نیز پایبند نیست. این انحراف براساس تلقی‌های اشتباه از عمق و محتوای دینی روی می‌دهد که با برخی نگرش‌ها و گرایش‌های باطنی‌گرایانه تفسیر غلطی در راستای التقاط و حذف مناسک دینی دارد. در این شرایط زمینه برای ایجاد خرافات در دین فراهم می‌شود. بررسی‌های متعدد از جامعه شیعیان هند حاکی از بروز نوعی مناسک‌گرایی گزینشی است که سبب شده برخی از مناسک بسیار پررنگ و برخی دیگر به حاشیه رانده و حتی در برخی موارد حذف شده و براساس نوعی نگرش غلط از مراسم دینی به نوعی باطن‌گرایی مناسک‌گریز دچار شود. در این شرایط با مفهموم مراسم‌گرایی در هند مواجه می‌شویم. مراسم‌های دینی آغاز و دستاویزی برای ارتقای دین‌داری و معارف دینی است و ابزاری جهت تحقق و تعمیق شخصیت دینی است نه اینکه صرف برگزاری مراسم، هدف و غایت نهایی باشد. متأسفانه در هند مراسم‌های دینی بجای اینکه مقدمه و ابزاری برای تعمیق دین‌داری باشد سبب رکود شخصیت دینی مردم شده است. درواقع مراسم دینی در هند نقطه قوتی است که به نقطه ضعف تبدیل شده است؛ زیرا در بستر نوعی مناسک‌گرایی باطن‌گرا سبب فاصله گرفتن از مناسک دینی و ارائه تعریف غلط از بسیاری از معارف دینی مانند تولی، تبری، شفاعت و توسل شده است. در این شرایط، مراسم عزاداری بجای اینکه شور و نشاط انقلابی ایجاد کند و با الگوگیری از امام حسین‌علیه‌السلام به افزایش دین‌داری و اصلاح‌گری منجر شود به سرپوشی بر مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی تبدیل شده است. یعنی مراسم‌های عزاداری گسترده که در طول سال نیز برقرار می‌شود، به نوعی مخدر عزلت‌گزینانه تبدیل شده است که حس دین‌داری مردم را ارضاء می‌کند. مراسم عزاداری باید سبب و سرآغاز شور و نشاط اجتماعی و مبارزه با ظلم باشد چنان‌که انقلاب اسلامی ایران در بستر و با بهره‌گیری از عاشورا و ارائه تفسیر و تبیینی اجتماعی و سیاسی از مراسم عزاداری به وقوع پیوست ولی در هند این عاشورا در حد همین مراسم‌ها و در جنبه‌های احساسی و اخروی تنزل یافته است.

۲. خلأ رهبری دینی

رهبری از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت هر نهضتی است و تشکل‌های مذهبی چه در ابعاد دینی و چه سیاسی ـ اجتماعی بدون بهره‌مندی از نظام رهبری قوی و منسجم نمی‌توانند به اهداف خود دست یابند و در تعامل و رقابت با سایر گروه‌ها به جایگاه مناسبی برسند. این موضوع در انقلاب ایران به‌خوبی رخ نشان می‌دهد در جایی که انقلاب اسلامی ایران در تاریخ سیاسی معاصر خود دو تجربه ناموفق انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت را پشت‌سر گذاشته بود.

تاریخ شیعیان در هند حکومت‌های شیعی را نشان می‌دهد که در پیشبرد امور شیعیان بسیار مهم و مؤثر بود. در این دوران، عالمان شیعی برجسته‌ای در هند بودند که امور دینی و اجتماعی شیعیان هند را رهبری می‌کردند ولی در چند دهه اخیر خلأ رهبری در شیعیان هند حس می‌شود به‌طوری‌که می‌توان گفت عالم برجسته که بتواند افراد زیادی را ذیل مکتب و مدرس علمی خود جمع کند و نقش‌آفرینی و هدایت‌گری داشته باشد در شیعیان هند وجود ندارد. ازاین‌جهت باید بگوییم یکی از مهم‌ترین چالش‌های هند خلا رهبری است که سبب تشتت و هدر رفتن منابع شده است.

این موضوع با پراکندگی جغرافیایی هند و وجود برخی اختلافات سیاسی و عقیدتی بین شیعیان تشدید شده است. شیعیان فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی انجام می‌دهند ولی این فعالیت‌ها فاقد سازمان‌یافتگی و انسجام است و ازاین‌جهت بهره لازم از آنها برده نمی‌شود. ایالتی بودن هند بر این مشکل دامن می‌زند و شیعیان هر ایالت از امکانات و فعالیت‌های شیعیان ایالت دیگر اطلاع ندارند.

در مجموع، وجود اختلافات عقیدتی و سیاسی مهم‌ترین چالش مدیریتی شیعیان در هند است که بسیاری از مسائل را تحت‌تأثیر قرار داده است. مهم‌ترین بروز اختلافات عقیدتی در هند در قالب اخباری‌گری و اصولی‌گری است. اختلافات سیاسی نیز در این بستر در قالب حمایت و عدم حمایت از ایران بروز می‌نماید. نتیجه این اختلافات سیاسی و عقیدتی در گرایش به حوزه علمیه قم و نجف خود را نشان می‌دهد.

مهم‌ترین اختلاف در بین شیعیان هند در قرن اخیر در شرایط حساس مبارزات هند برای استقلال روی داد. در سال ۱۹۴۰ م / ۱۳۶۰ ق مرحوم علامه علی‌نقی نقوی کتاب ***شهید انسانیت*** را به‌عنوان متنی عام و جامع درمورد امام حسین علیه‌السلام نوشت تا به‌عنوان مظهر و نمادی جهت ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی هند در نهضت استقلال باشد لذا ایشان از گروه‌های مختلف هندو و اهل سنت نیز برای نوشتن این کتاب استفاده کرد ولی نزاع اخباری و اصولی، این کتاب را از حیز انتفاع خارج کرد و سبب گوشه‌نشینی مرحوم علی‌نقی شد. جریان اخباری مبتنی بر غلو و گرایش افراطی در تبری با برخی گزینه‌های این کتاب به شدت مخالفت کرد و از چاپ آن در سطح گسترده که می‌توانست جایگاه ویژه‌ای برای شیعیان در جریان نهضت استقلال‌طلبی هند ایجاد کند جلوگیری کرد.

نتیجه

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند را در دو بخش و براساس دو مفهوم «جامعه خودآگاه» و «جامعه خودبنیاد» می‌توان بیان کرد. جامعه خودآگاه جامعه‌ای است که در آن اعضای جامعه به هویت

دینی خویش، باور و توجه دارند و متوجه ابعاد و محتوای آن هستند. این افراد، جامعه خود را براساس این هویت شکل می‌دهند. آنها نسبت به هویت دینی‌شان، خودآگاهی دارند و گردهمایی‌شان (تشکیل جامعه، هویت اجتماعی) را براساس این هویت طرح‌ریزی کرده‌اند. وقتی جامعه به خودآگاهی دینی رسید، می‌تواند برای استقلال خود و نهادینه کردن هویتش در جامعه تلاش کند. صرف خودآگاهی برای بقای جامعه کفایت نمی‌کند بلکه جامعه شیعیان (هویت در عرصه اجتماع) باید به مرحله خودبنیادی برسد؛ زیرا برای رشد تکاملی و تثبیت خودآگاهی لازم است جامعه به مرحله خودبنیادی برسد.

به‌عبارت‌دیگر جامعه خودآگاهی که به مرحله خودبنیاد نرسیده است برای رفع نیازهای خود به دیگران نیاز دارد و این تعامل ضروری می‌تواند به شدت التزام به هویت دینی را در معرض خطر قرار دهد. جامعه خودبنیاد جامعه‌ای است که پس از ترسیم مرزها، مبانی و نظام‌های شناختی و هویتی خود در مصاف با سایر فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب، در راستای مدیریت شئون سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی خود گام برمی‌دارد. در همه این مراحل، هویت دینی، عامل اصلی و جهت‌دهنده کلی امور است. آنچه درمورد خودآگاهی و خودبنیادی دینی گذشت در جوامعی که شیعیان در اقلیت هستند اهمیت و بروزِ دوچندان پیدا می‌کند؛ چراکه ویژگی چندفرهنگی این جوامع اقتضا می‌کند شیعیان برای حفظ هویت دینی خود در مواجه یا تصادم با سایر فرهنگ‌ها و هویت‌ها، تشخص هویتی خود را حفظ کنند. لازمه این مهم در مرحله اول، خودآگاهی و سپس خودبنیادی است.

بر این اساس می‌توانیم از واژه‌های «استقلال فکری ـ هویتی» و «استقلال سیاسی ـ اجتماعی» برای تبیین جامعه خودآگاه و خودبنیاد استفاده کنیم.

در ادامه، راهبردهای تأثیر انقلاب بر شیعیان هند را در ذیل دو مفهوم جامعه خودآگاه و خودبنیاد تبیین می‌کنیم.

الف) ایجاد و ارتقای خودآگاهی دینی (جامعه خودآگاه)

یک. ارتقای هویت دینی (احیاگرایی دین)

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که دین از صحنه سیاست حذف شده و درحالی‌که به گوشه حیات خلوت حیات بشر رانده شده بود، هیچ اثر و جایگاهی در نظریات سیاسی و نظام‌های اجتماعی نداشت. در این شرایط، انقلاب اسلامی با رهبری دینی و با دغدغه و برنامه‌های دینی شکل گرفت و با پیروزی خود، جهان سیاست و نظریه‌پردازان اجتماعی را متعجب کرد تا آنها را به بازاندیشی در اندیشه و جهان‌بینی‌شان وادار کند.

ازاین‌رو تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر سایر مسلمانان و شیعیان به زیرساخت‌های فرهنگی و دینی نیاز دارد که به نوع تلقی و تفکر دینی آنها بازمی‌گردد. پذیرش و گسترش اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی نیازمند نوعی نگرش و تلقی از دین و ابعاد و کارکردهای آن است که به جایگاه سیاسی و اجتماعی دین و درنتیجه تعمیق تفکر دینی مربوط است؛ چراکه اساساً انقلاب اسلامی براساس نوع ویژه‌ای از قرائت از دین ایجاد شد و به پیروزی رسید. در این نگرش، دین در عرصه فردی محدود نمی‌شود و متولی امور سیاسی و اجتماعی نیز هست. در این نگرش مواجهه با متون دینی براساس گرایش‌های حدیثی و اخباری مسلک نیست بلکه نگرش‌های عقل‌گرایانه و اجتهاد پویاست که دین را در عرصه سیاسی و اجتماعی کارآمد و مولد می‌کند. این مهم در رهگذر انقلاب اسلامی محقق شده است و اثرگذاری انقلاب نیز از این مسیر و نگرش سیاسی و اجتماعی به دین می‌گذرد. ازاین‌جهت هرگونه تأثیرگذاری انقلاب منوط به احیاگرایی در دین است.

باتوجه به آنچه در این بخش بیان شد، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند مستلزم نوعی قرائت از دین است که در آن مؤلفه‌هایی همچون عقلانیت، توجه به زمان و مکان، اجتهاد پویا، توجه به ساحت دنیوی دین، تحقق‌بخشی به ابعاد سیاسی و اجتماعی دین و رویکردهای امیدبخش و آینده‌نگرانه در تفسیر مؤلفه انتظار بسیار مهم است و حضوری فعال دارد. مواجهه‌های اخباری با دین و منش‌های اخباری‌گری در تفسیر دین، یا قرائت‌های انجمن حجتیه‌ای، از مؤلفه انتظار در تغایر با این رویکرد است.

براساس آنچه تا به اینجا بیان شد، احیاگری دینی از مهم‌ترین راهبردهای تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان هند است. بر این اساس تقویت و ارتقای حوزه‌های علمیه که از مهم‌ترین نهادهای شکل‌دهی هویت دینی در جامعه است، از مهم‌ترین راهبردهای تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان هند است چنان‌که در ایران نیز حوزه‌های علمیه مهم‌ترین نهاد ایجاد و رهبری انقلاب بود. از این رهگذر اموری مانند احیا و شکوفایی مساجد و همچنین بهبود نظام تبلیغ دینی هم امکان‌پذیر می‌شود که هریک از این دو در ارتقای هویت دینی بسیار مؤثر است.

دو. نگرش جهان‌وطنی

انقلاب اسلامی ایران با وجود اینکه در اقلیت مذهبی (شیعه) و قومی ـ جغرافیایی (فارسی) روی داد به هیچ عنوان در این حصار مذهبی و قومی منحصر نشد و همه مسلمانان و جهان اسلام و حتی مستضعفان جهان را (هرچند غیرمسلمان) مخاطب و مورد توجه قرار داد. رویه و اصول برون‌تمدنی انقلاب اسلامی ایران که تأثیرگذاری انقلاب بر سایر مسلمانان را به‌عنوان یک اصل مدنظر داشت سبب شد انقلاب

اسلامی ایران در مسائل بین‌المللی و با قدرت‌های بزرگ مرتبط شود. گذشته از روحیات و رویه‌های استکبارستیز انقلاب اسلامی که منافع استعمارگران را به خطر انداخته بود، انقلاب اسلامی ایران از عقبه ایدئولوژیک و معرفتی غنی برخوردار بود که نظام اندیشه‌ای مدرن حاکم بر روابط بین‌الملل را نمی‌پذیرفت. ازاین‌جهت می‌توان گفت انقلاب اسلامی در تقابل با جریان جهانی شدن و غربی‌سازی جهان قابل تفسیر است.

انقلاب اسلامی خاستگاه و میدان استراتژیک و عمل خود را در سطح بین‌الملل و در مواجهه با قدرت‌های بزرگ تعریف کرد؛ چراکه درصدد ایجاد الگویی دینی در عرصه تمدنی بشری بود. ازاین‌جهت نگاه‌های دینی خود را در سطح امت اسلامی و در تقابل با تمدن غرب طراحی کرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انقلاب اسلامی، نگاه‌های بین‌الملل اسلامی است که لازمه آن برخورداری از نگرش‌های جهان‌وطنی است.

باتوجه به آنچه گذشت، یکی از مهم‌ترین راهبردهای تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان، تقویت نگرش‌های بین‌المللی و نگرش‌های جهان‌وطنی است. نگاه‌های شیعیان هند باید در سطح بین‌الملل اسلامی و در تعامل با سایر مسلمانان تعریف شود. آنها در صورتی به مرزبندی و تکاپوی هویتی دست می‌یابند که مسائل جهان اسلام را مدنظر داشته باشند و خود را جزئی از آن جامعه بین‌الملل اسلامی بدانند. به‌عبارت‌دیگر بخشی از تشخص هویتی شیعیان هند در این است که آنها خود را بخشی از جامعه بین‌الملل اسلامی قرار دهند و در این امت اسلامی در تعامل و تکاپو باشند.

ب) جامعه خودبنیاد

یک. تقویت اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یکی از قرائت‌های اسلام در دوران معاصر است که در مقابل برداشت سنتی قرار می‌گیرد. در این دیدگاه مسلمانان به اسلام به‌عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادات می‌نگرند و آن را راه‌حل مشکلات خود می‌دانند. در این قرائت، دین فقط یک اعتقاد نیست و ابعادی فراگیر دارد. اسلام مرجع و مبنا در امور سیاسی و اجتماعی است و جداانگاری دین از سیاست رد می‌شود، دستاوردهای مدرن به‌عنوان ابزار و وسایل زندگی و نه فلسفه زندگی پذیرفته می‌شود، و اسلام از دین عبادت محض به دین عبادت و سیاست تبدیل می‌شود. (ر.ک: جمشیدی راد و محمودپناهی، ۱۳۹۱: ۱۴۹ ـ ۱۲۷)

اسلام به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی برای اولین بار با پیروزی انقلاب اسلامی تحقق یافت. (ر.ک: بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۱ ـ ۴۹؛ پورگرجی، ۱۳۹۳: ۷۸ ـ ۶۱) ازاین‌جهت انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی مفاهیمی درهم‌تنیده هستند. البته این سخن به این معنا نیست که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر

شیعیان هند باید همراه با نگاه‌های اسلام سیاسی در سطح حکمرانی و نظام سیاسی همراه باشد بلکه منظور این است که باتوجه به جایگاه اسلام سیاسی در نظام معرفتی و جهان‌بینی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، لازم است شیعیان هند به اسلام سیاسی در سطح دخالت دین در امور اجتماعی پایبند باشند.

منظور ما از اسلام سیاسی در این بخش، تحلیل اسلام سیاسی با نگاه تمدنی است که اسلام را نه با نگاه سوبژکتیو به‌عنوان یکی از عناصر اجتماع، بلکه با دیدی ابژکتیو، اسلام را به‌عنوان نهادی برتر در جامعه تحلیل می‌کند که همه شئون جامعه را در قالب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر دارد. بر این اساس اعتقاد به ابعاد فراگیر دین (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۳۹) و اعتقاد به جداناپذیری دین از سیاست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) از مبانی اسلام سیاسی است. در این نگاه اسلام به‌عنوان مبنا و مؤلفه سازمان‌دهنده امور اجتماعی در همه شئون است.

دو. تقویت مهارت‌های اجتماعی و فنی

جامعه خودبنیاد جامعه‌ای است که در راستای رفع نیازهای خود و تعین‌بخشی هویت دینی‌اش در جامعه گام برمی‌دارد. تحقق این بخش تا حد زیادی به نوعی نظام‌سازی سیاسی و اجتماعی نیاز دارد که سبب تقویت کارآمدی گفتمان‌ها در عرصه اجتماع می‌شود.

شیعیان هند جهت دستیابی به موقعیت اجتماعی لازم است از مهارت‌های فنی و توانایی‌های لازم اجتماعی نیز برخوردار باشند. تجربه شیعیان لبنان نشان می‌دهد که بخشی از موفقیت سیاسی و اجتماعی امروز آنها مدیون فعالیت‌های مجاهد نستوه موسی صدر است. در زمانی که او به لبنان رفت شیعیان هند در مشاغل رده دو و سه جامعه مانند مشاغل خدماتی مشغول به کار بودند. به دنبال این وضعیت مهارتی، موقعیت اجتماعی آنها نیز در سطح پایینی بود. لذا فصل نوینی از آموزش‌های فنی و مهارتی و تحصیلی آغاز شد که سبب شد شیعیان لبنان درصدد طراحی و ایجاد نظام اجتماعی صعودگرایانه‌ای برآیند. البته طبیعی است که شرایط فرهنگی و اجتماعی هریک از جوامع شیعی اختصاصی است و تجربه یک جامعه قابل انطباق و انتقال به جامعه دیگر نیست ولی می‌توان این تجربیات را بومی‌سازی کرد و از آن در راستای ارتقای جامعه دیگر بهره برد.

منابع و مآخذ

۱. اطهررضوی، عباس، ۱۳۸۰، *تاریخ تصوف در هند*، ترجمه منصور معتمدی، تهران، مرکز نشر جهاد دانشگاهی.
۲. اطهر رضوی عباس، ۱۳۷٦، *شیعه در هند*، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸٦، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، ***مجله پژوهش حقوق و سیاست***، بهار و تابستان ۸٦، شماره ۵.

٤. ــــــــــ، ۱۳۹۱، ***نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی***، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۵. بصیری، محمدعلی، عبدالرحمن افشاری و داود نجفی، ۱۳۹۵، «اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران»، ***فصلنامه سیاست***، سال سوم، پاییز ۹۵، شماره ۱۱.

٦. بهروزلک، غلامرضا، ۱۳۸٦، ***جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۷. پورگرجی، محمودعلی، «گفتمان اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، ***رهیافت انقلاب اسلامی***، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۲۷.

۸. جردن، تری و لستر راونتری، ***مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی***، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۰.

۹. جمشیدی‌راد، محمدصادق و سیدمحمدرضا محمودپناهی، ۱۳۹۱، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، زمستان ۹۱، شماره ۱.

۱۰. حالت، ابوالقاسم، ***شاهان شاعر***، تهران، انتشارات علمی، ۱۳٤٦.

۱۱. حسینی، سیدمحمدصادق و ابراهیم برزگر، ۱۳۹۲، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی بر عربستان سعودی»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال دهم، تابستان ۹۲، شماره ۳۳.

۱۲. حسینی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸٦، ***اسلام سیاسی در ایران***، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

۱۳. ربانی محمدعلی و محمد بارانی، ۱۳۹٤، «تأثیر سنت‌های محرم بر هویت اجتماعی شیعیان هند»، ***فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام***، سال چهارم، زمستان ۹٤، شماره ۱٦.

۱٤. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷٦، ***توسعه و تضاد***، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. سعیدی‌نسب، تورج، ۱۳۹۲، ***راه‌های گسترش و نفوذ اسلام در اسناد عصر اموی***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۱٦. شکوئی، حسین، ۱۳۷۷، ***اندیشه‌های نو در فلسفهٔ جغرافیا***، تهران، گیتاشناسی.

۱۷. ــــــــــ، ۱۳٦٤، ***جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی***، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۸. ضابط، حیدررضا، ۱۳۸٤، «نقش علمای ایران در ترویج شیعه در لکنهوی هند»، ***مجله مشکوة***، تابستان ۸٤، شماره ۸۷.

۱۹. طالب، حمید، ۱۳۹۳، «گزارشی تحلیلی از آثار شیعه‌پژوهی شبه‌قاره هند»، ***پژوهش‌های منطقه‌ای***، تابستان ۹۳، شماره ٤.

۲۰. عسکری، علی، ۱۳۸٦، ***آینده انقلاب***، تهران، کانون اندیشه جوان.

۲۱. فولر، گراهام، ۱۳۷۳، ***قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران***، ترجمه عباس خجسته، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
۲۲. کامران، حسن و همکاران، ۱۳۹۲، «تأثیر انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان براساس نظریه پخش»، ***جغرافیای ایران***، سال یازدهم، تابستان ۹۱، شماره ۳۷.
۲۳. کفایت، کوشا، ۱۳۸۳، «مهاجرت هنرمندان ایرانی به هند در دوره صفوی»، ***مجله آیین میراث***، دوره جدید، پاییز ۸۳، شماره ۲۶.
۲٤. المجتمع، ١٤١٧ ق، «العلاقات الهندية ـ الاسرائيلية و مخاطرها على دول العالم الاسلامی»، ***مجله المجتمع***، کویت، سال ۲۷، ربیع‌الآخر ١٤١٧ ق / سپتامبر ۱۹۹۶، شمارة ۱۲۱۵.
۲۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۰، ***انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها***، قم، دفتر نشر معارف.
۲٦. مشیر، الحسن، ١٣٦٧، ***جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند***، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. نجاتی حسینی، راضیه، ۱۳۹۳، ***بررسی جایگاه ایرانیان شیعه در عرصه علم و سیاست هندوستان، از سده ۹ تا ۱۲ هجری***، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۸. هالیستر، جان نورمن، ۱۳۷۳، ***تشیع در هند***، ترجمه آزرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، نشر دانشگاهی.
29. Jones, Justin, 2014, Shi‘ism, Humanity and Revolution in Twentieth-Century India: Selfhood and Politics in the Husainology of ‘Ali Naqi Naqvi. In ***Journal of the Royal Asiatic Society***, Vol. 24, Issue 03, July 2014.
30. Kamran, Tahir and Amir Kkan Shahid, 2014, Shari‘a, Shi‘as and Chishtiya Revivalism: Contextualising the Growth of Sectarianism in the Tradition of the Sialvi Saints of the Punjab, In ***Journal of the Royal Asiatic Society***, Vol. 24, Issue 03, July 2014.
31. Keddie, Nikki, 1980, ***Oil Economic Policy and Social Conflict***, London, Frank Cass.
32. Palloni, Alberto, 2007, ***Theories and Models of Diffusion in Sociology & quot***, USA, Center for Demography and Ecology University of Wisconsin.